

بررسی شرایط عمومی جرائم علیه بشریت

لیلا رئیسی

وکیل دادگستری و عضو هیأت علمی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

خلاصه مقاله

از جمله مهمترین جنایات بین المللی، جنایت علیه بشریت است. این نوع جنایات آنقدر وحشتناک و فجیع و به قدری برای صلح و امنیت جامعه بشری خطرناک می باشند که از زمانی که حقوق بین الملل کیفری در مراحل آغازین خود شروع به رشد و توسعه نموده و مسئولیت کیفری فرد وارد عرصه حقوق بین الملل گردید، این نوع جنایات بعنوان یکی از جرائم مهم بین المللی محسوب گردیده اند.

برای اولین بار در اساسنامه دادگاه نورنبرگ، جنایت علیه بشریت یکی از سه جنایت مهم قابل رسیدگی در این دیوان بوده و این دادگاه در مورد آن آرای زیادی صادر کرده است.

در اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق و رواندا نیز جنایت علیه بشریت بعنوان یکی از جنایات مهم بین المللی محسوب گردیده، که قابل رسیدگی و باعث مسئولیت فردی مرتکبین آنها می باشد.

و نهایتاً در اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی نیز جنایت علیه بشریت بعنوان یک جنایت مهم بین المللی و قابل محاکمه و مجازات اعلام شده است.

لذا هیچ گونه تردیدی نیست که جنایت علیه بشریت یکی از جنایات مهم بین المللی است که از نظر جامعه بین المللی قابل اغماض و بخشش نیست. اما تمام جرائمی که زیر عنوان جنایت علیه بشریت قرار می گیرند باید صرفنظر از عناصر اختصاصی هر یک دارای شرایط عمومی مشترکی هم باشند، مثلاً همه آنها باید علیه یک جمعیت غیر نظامی ارتکاب یافته باشند تا تحت این عنوان قابل محاکمه و مجازات باشند. البته این شرایط عمومی از نظر همه محاکم کیفری بین المللی یکسان نمی باشد و از این جهت اختلاف نظر وجود دارد. در این مقاله سعی می گردد. این شرایط با توجه به اساسنامه و نیز رویه محاکم کیفری بین المللی و اختلاف نظر آنها مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

اصطلاحات کلیدی: جنایات علیه بشریت، محاکم کیفری بین المللی، شرایط عمومی

متن مقاله

بررسی شرایط عمومی جرائم علیه بشریت.

مقدمه

یکی از انواع جنایات مهم بین‌المللی جنایت علیه بشریت است. این نوع جنایات آنقدر وحشتناک و فجیع می‌باشند که از زمانی که حقوق بین‌الملل کیفری در مراحل آغازین خود شروع به رشد و توسعه نموده و مسئولیت کیفری فرد وارد عرصه حقوق بین‌الملل گردید، این نوع جنایات بعنوان یکی از جرائم مهم بین‌المللی محسوب گردیده‌اند.

برای اولین بار در اساسنامه دادگاه نورمبرگ، جنایت علیه بشریت یکی از سه جنایت مهم قابل رسیدگی در این دیوان بوده و این دادگاه در مورد آن آزایی زیادی صادر کرده است.

در اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق و رواندا نیز جنایت علیه بشریت بعنوان یکی از جنایات مهم بین‌المللی محسوب گردیدند که قابل رسیدگی و باعث مسئولیت فردی مرتکبین آنها می‌باشد.

و نهایتاً در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی نیز جنایت علیه بشریت بعنوان یک جنایت مهم بین‌المللی و قابل محاکمه و مجازات اعلام شده است.

لذا هیچ‌گونه تردیدی نیست که جنایت علیه بشریت یکی از جنایات مهم بین‌المللی است که از نظر جامعه بین‌المللی قابل اغماض و بخشش نیست.

«از نظر رویه قضایی و قواعد و مقررات بین‌المللی برای تلقی یک عمل مجرمانه بعنوان جنایت علیه بشریت لازم است آن عمل علاوه بر داشتن عناصر اختصاصی، در چارچوب شرایط خاص و با احراز اوضاع و احوال ویژه ای ارتکاب یافته باشد. مثلاً عمل مجرمانه قتل زمانی بعنوان یک جنایت علیه بشریت محسوب می‌گردد که در قالب یک حمله گسترده یا سیستماتیک و علیه یک جمعیت غیر نظامی ارتکاب یافته باشد در غیر این صورت هرگز بعنوان یک جنایت علیه بشریت قابل محاکمه و مجازات نخواهد بود و تنها یک جرم عادی محسوب می‌گردد» (الدراچ، ۱۹۹۶ ص ۹) در رویه قضایی محاکم کیفری بین‌المللی این شرایط عمومی بعضاً محل تردید و اختلاف بوده است. بعنوان مثال این که آیا جنایات علیه بشریت باید به شکل گسترده ارتکاب یابد یا بطور موردی هم می‌تواند ارتکاب یابد؟ آیا بین یک عمل مجرمانه بعنوان یک جنایت علیه بشریت و مخاصمه مسلحانه لزوماً باید ارتباطی وجود داشته باشد یا خیر؟ آیا جنایات علیه بشریت باید بر اساس دلایل تبعیضی ارتکاب یابد یا خیر؟... لذا لازم است شرایط عمومی یا اصطلاحاً شرایط آستانه جنایات علیه بشریت با توجه به رویه قضایی محاکم کیفری بین‌المللی و نیز سایر قواعد و مقررات بین‌المللی از جمله اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مورد بررسی قرار گیرد تا موضع حقوق بین‌الملل کیفری در این خصوص شفاف و مشخص گردد.

بررسی شرایط عمومی جرائم علیه بشریت؛

از مطالعه و تدقیق در ماده ۵ اساسنامه دیوان کیفری یوگسلاوی سابق و ماده ۳ اساسنامه دادگاه کیفری رواندا و نیز رویه هر دو محکمه و همین طور با توجه به ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی می‌توان شرایط عمومی زیر را که البته از نظر هر سه دادگاه یکسان نبوده و تفاوت‌های بین آنها وجود دارد برای جنایات علیه بشریت، احراز نمود:

۱. عدم ضرورت درگیری مسلحانه

یکی از موضوعات مهم در بحث جنایات علیه بشریت این مسئله است که آیا چنین جنایاتی مستلزم ارتباط با درگیری مسلحانه می‌باشد؟

بر اساس ماده ۵ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق جنایات علیه بشریت باید در جریان یک درگیری مسلحانه ارتکاب یافته باشد. البته فرقی نمی‌کند که این منحصراً بین المللی باشد یا داخلی، این موضوع در رویه دادگاه از جمله در پرونده‌های تادیب، سلو، بی جی ... نیز مشاهده می‌گردد.

بین دادگاه یوگسلاوی سابق با دادگاه رواندا و اساسنامه دیوان کیفری بین المللی از جهت ضرورت وجود این شرط اتفاق نظر وجود ندارد. از نظر اساسنامه دادگاه رواندا وجود چنین شرطی برای ارتکاب جنایات علیه بشریت ضروری نیست و جنایات علیه بشریت می‌تواند در زمان صلح یا در جریان یک منحصراً مسلحانه ارتکاب یابد.

این موضوع صراحتاً در رأی مربوط به پرونده آکایسو (قسمت ۱۴ بند ۵۸۱ رای) بیان گردیده است. البته پاسخ این سؤال باید روشن گردد که، ضروری دانستن این شرط از نظر دادگاه یوگسلاوی سابق به این دلیل بوده است که از نظر این دادگاه این شرط جزء عناصر ذاتی یک جنایت علیه بشریت بوده است یا خیر؟

این مسأله در جریان پرونده تادیب مطرح گردید. دادستان طی اعتراض به رأی دادگاه بدوی اظهار داشت که «عبارت ارتکاب باید در جریان یک تعارض نظامی باشد»، در ماده ۵ اساسنامه بیانگر یک عنصر صلاحیتی است و نه یک عنصر ذاتی برای جنایت علیه بشریت. دادگاه عالی بعداً این مطلب را تأیید نموده و شرط وجود تعارض نظامی را یک عنصر صلاحیتی برای دادگاه دانست نه یک عنصر ذاتی برای جنایات علیه بشریت. (آلورز، ۱۹۹۸ ص ۳۴۱) «در جریان مذاکرات مقدماتی مربوط به تهیه اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی نیز این بحث بین مذاکره کنندگان مطرح گردید. تعداد زیادی از هیأت‌های نمایندگی استدلال می‌کردند که جنایت علیه بشریت فقط در طی یک درگیری مسلحانه می‌تواند اتفاق بیفتد. بعضی‌ها حتی تا لزوم ارتباط داشتن با درگیری مسلحانه بین المللی نیز پیش رفتند. ولی اکثر نمایندگان این نظر را داشتند که حقوق بین الملل عرفی خواستار این نیست که درگیری مسلحانه وجود داشته باشد.» (علیرضا درهیم، ۱۳۸۰ ص ۲۴۷) استدلال مخالفین عمدتاً این بود که پذیرش «لزوم ارتباط» در اساسنامه محاکم کیفری قلمی همانند نورمبرگ، توکیو و اخیراً دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق محدودیتی بر صلاحیت آن محاکم بوده و نه عنصر ذاتی جرم جنایت علیه بشریت. (ارسنجانی، ۱۹۹۹ ص ۳۴۵) حتی برخی از مخالفین این موضوع معتمد بودند. درج این شرط در اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق یک اشتباه بوده است و به همین جهت دادگاه بعداً در جریان کار به اشکال گوناگون

سعی نمود از رعایت آن خوداری نموده و موارد پذیرش آن را بسیار محدود نماید. (بیگ زاده، ابراهیم، تقریرات درسی، ۱۳۸۲): دادگاه پژوهش در پرونده تادیب نیز اعلام نموده است: « در حال حاضر یک قاعده حقوق بین الملل عرفی ایجاد گردیده است که ارتباط جنایت علیه بشریت را با درگیری بین المللی مسلحانه لازم نشمرده است. » (بند ۱۴۱ از رلی پژوهشی تادیب) نهایتاً به موجب ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری وجود چنین شرطی برای ارتکاب جنایت علیه بشریت ضروری تلقی نگردید. لذا می توان چنین استنباط نمود که از لحاظ عرف و رویه بین المللی برای ارتکاب جرم جنایت علیه بشریت وجود یک عملیات مسلحانه لازم نیست و ارتکاب این عمل مجرمانه چه در زمان صلح و چه در طی یک درگیری مسلحانه اعم از بین المللی یا غیر بین المللی یک جرم بین المللی محسوب می شود.

۲. جرم باید در چارچوب یک حمله گسترده یا سیستماتیک رخ داده باشد.

از بررسی اساسنامه دیوان کیفری بین المللی و نیز رویه دادگاه های یوگسلاوی سابق و رواندا کاملاً روشن است که عملیات اتفاقی و جرمهای ساده را باید از جنایات علیه بشریت مجزا نمود. و لازم است که جنایات علیه بشریت به صورت گسترده یا سازمان یافته ارتکاب یافته باشند. اساسنامه دیوان کیفری (بند ۱ از ماده ۷) در این خصوص مقرر می دارد منظور از جنایات ضد بشریت در این اساسنامه هر یک از اعمال مشروحه ذیل است، هنگامی که در چارچوب یک حمله گسترده یا سازمان یافته بر ضد یک جمعیت غیر نظامی و با علم به آن حمله ارتکاب می نماید. در آرای زیادی از جمله وینکو و ملدین دادگاه یوگسلاوی ضرورت وجود این شرط را اعلام نموده است. همینطور در پرونده های از جمله آکایسو دادگاه رواندا نیز این شرط عمومی را برای ارتکاب جرائم علیه بشریت صراحتاً ضروری اعلام نموده است. این دادگاه در این ارتباط می گوید:

« به نظر دادگاه لازم است که عمل ارتكابی به صورت قسمتی از یک حمله گسترده یا سیستماتیک رخ داده باشد و صرفاً یک خشونت اتفاقی نباشد. » (آکایسو، همان منبع، بند ۵۷۹)

در ماده سه اساسنامه دادگاه رواندا نیز صراحتاً لزوم رعایت این شرط درج گردیده است، البته در اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سخنی از ضرورت رعایت این شرط به میان نیامده است و در این خصوص تردیدهای ایجاد گردید که نهایتاً بر جهت ضرورت رعایت این شرط رفع گردید. دبیر کل سازمان ملل متحد در گزارش خود برای روشن شدن این شرط اظهار داشته است که این قبیل اعمال باید دارای ماهیت بسیار سنگین باشند و به عنوان بخشی از یک تهاجم گسترده و سازمان یافته به دلایل ملی، سیاسی، قومی، نژادی یا مذهبی علیه جمعیت غیر نظامی ارتکاب یابند. (گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد در مورد تعریف جنایات علیه بشریت، ۱۹۹۳، بند ۴۷). دادگاه یوگسلاوی هماتگونه که گفته شد، در آرای زیادی این موضوع را یادآوری کرده است که جرائم اتفاقی و موردی را نمی توان بعنوان جنایات علیه بشریت پذیرفت و لازم است این جرائم به صورت گسترده یا سیستماتیک ارتکاب یافته باشند. اطن دادگاه در یکی از آرای خود در این خصوص اظهار داشته است:

« از این رو لازم است که اعمال اتفاقی و بدون ارتباط با یکدیگر از حیطة جنایات علیه بشریت که لازم است علیه یک جمعیت غیر نظامی انجام گردد و بطور گسترده یا سیستماتیک واقع شده باشند، مستثناء گردد.» (رای تادیج بند ۶۴۸) در این جا لازم است که مفهوم و معنای دو ویژگی گسترده و سیستماتیک روشن گردد و سپس مشخص شود که این دو ویژگی باید بطور توأمان در یک حمله وجود داشته باشد یا وجود آنها بطور موردی (انفرادی) هم قابل پذیرش است؟

همانطور که بوسیله دادگاه یوگسلاوی در پرونده مامکلو: (بند ۹۴ رای بدوی) بیان گردیده است، عبارت گسترده ناظر بر مقیاس حمله، بزرگی آن و شمار قربانیان است، در حالی که عبارت سیستماتیک ناظر بر طبیعت سازمان یافته، از پیش طراحی شده و عدم وقوع اتفاقی اعمال مجرمانه است. دادگاه رواندا نیز در پرونده کایشیما: (بند ۱۲۳ رای دادگاه بدوی) اظهار می‌دارد که حمله گسترده، حمله ای است که علیه گروه زیادی از قربانیان انجام شده باشد و حمله سیستماتیک حمله ای است که بدنبال یک سیاست یا طرح از پیش تهیه شده انجام گردد.

در رأی آکایسو نیز دادگاه معتقد است در یک حمله سیستماتیک حمله باید از یک خط مشی معینی تبعیت و پیروی کرده باشد (آکایسو، همان منبع، بند ۵۸ رای) لذا همانگونه که در رای تادیج (همان منبع، بند ۹۴۴ رای) بیان گردیده است مبنای یک حمله گسترده یا سیستماتیک یک برنامه یا سیاست دولتی است و این حمله در راستای تحقق آن برنامه یا خط مشی انجام گرفته که می‌توان آنرا از نوع اعمال ارتكابی استنباط نمود. لازم نیست که تمام افرادی که این حمله را انجام می‌دهند مأموران و افراد دولتی باشند و حضور افراد غیر دولتی با علم به وجود این حمله و اینکه اعمال مجرمانه آنها نیز قسمتی از این حمله می‌باشد، موجب تحقق شرط مذکور میگردد. این موضوع را می‌توان از آرای زیادی بویژه از رای سلی بی چی (همان منبع، بند ۲۱۴ رای) و در جایی که در بحث از مسئولیت کیفری مقام مافوق، تفسیر بسیار گسترده ای از مافوق ارائه می‌گردد استنباط نمود. در این رای دادگاه اظهار می‌دارد که مقام مافوق می‌تواند هم شامل مقامات نظامی و هم مقامات غیر نظامی، هم مقامات کشوری و هم مقامات محلی گردد، که به واسطه اقدامات مجرمانه افراد تحت کنترل، اعم از نظامی و غیر نظامی، دولتی و غیر دولتی و با جمع سایر شرایط ممکن است دارای مسئولیت کیفری به دلیل ارتكاب جنایات علیه بشریت باشند. این موضوع را همین طور از رأی کایشیما (همان منبع، بند ۱۲۳) و رأی آکایسو (همان منبع، بند ۶۹) می‌توان استنباط نمود. از نظر اساسنامه دیوان کیفری بین المللی نیز حمله گسترده و یا سازمان یافته به معنای ارتكاب چندین عمل از اعمال مذکور در بند ۱ از ماده ۷ اساسنامه است که بر ضد هر جمعیت غیر نظامی که در تعقیب یا پیشبرد سیاست یک دولت یا یک سازمان برای انجام چنین حمله ای صورت گرفته باشد. (قسمت الف بند ۴ از ماده ۷) در پاسخ به این سوال که آیا لازم است این دو ویژگی مجتمعاً در یک حمله وجود داشته باشند یا وجود یکی از آن دو نیز کافی است، باید گفت، عرف و رویه قضایی حاکی از آن است که وجود یکی از این دو شرط کافی است. طبق اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق و همینطور در رویه این دادگاه وجود یکی از این دو شرط کافی تلقی گردیده است. در رأی دادگاه عالی مربوط به پرونده دراگو لچوب (بند ۸۵ رای) و رأی دادگاه عالی مربوط به پرونده

تادیج (همان منبع چند ۴۷۵) دادگاه یوگسلاوی این موضوع را یادآوری کرده است. در پرونده تادیج دادگاه در این خصوص گفته است:

«... اکنون مسلم است که این جنایات می‌تواند یا در حد گسترده یا به طور سیستماتیک اتفاق بیفتد و هر یک از این دو کافی است که اعمال اتفاقی یا موردی را مستثنا کند.»

در پرونده گوران نیز یکی از موارد ایراد متهم این بود که باید هر دو معیار (گسترده و سیستماتیک بودن) نیز حمله جمع باشد تا جرائم اتهامی در صلاحیت دادگاه قرار گیرد. اما هم دادگاه بدوی و هم دادگاه عالی این ایراد را رد نموده و صراحتاً عدم ضرورت جمع این دو ویژگی را بصورت توأمان در حمله اعلام کرده است. دادگاه رواندا نیز وجود یکی از این دو ویژگی را در حمله کافی دانسته است البته لازم به یادآوری است که در اساسنامه دادگاه رواندا از این جهت ابهامی وجود داشت که دادگاه در رویه خود این ابهام را به گونه ای رفع نمود که وجود یکی از این دو شرط کافی تلقی گردیده است. در متن انگلیسی اساسنامه دادگاه رواندا گفته شده: حمله گسترده یا سیستماتیک در حالی که در متن فرانسوی آن گفته شده، گسترده و سیستماتیک. این امر در این خصوص شبهاتی را به دنبال داشت، لیکن دادگاه در تمامی آرای صادر خود این شبهه را بنفع متن انگلیسی اساسنامه رفع نموده است (بیگ زاده، همان منبع) لذا در یک جمع بندی می‌توان گفت که هم رویه دادگاه های کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا و هم اساسنامه دیوان کیفری بین المللی حاکی از آن است که حمله ای که در جریان آن یک جنایت علیه بشریت ارتکاب می‌یابد، باید یا گسترده باشد یا سیستماتیک و ضرورتی ندارد که بطور توأمان دارای هر دو ویژگی باشد.

۳. حمله گسترده یا سیستماتیک باید علیه یک جمعیت غیر نظامی انجام شود.

بر اساس ماده پنج اساسنامه دیوان یوگسلاوی سابق و ماده سه اساسنامه دیوان رواندا و نیز ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری حمله گسترده یا سیستماتیک که جنایت علیه بشریت قسمتی از آن می‌باشد باید علیه یک جمعیت غیر نظامی انجام شود. این شرط عمومی در تمام آرای صادره از محاکم یوگسلاوی و رواندا مورد توجه قرار گرفته است. در رأی تادیج (همان منبع، بند ۲۳۶) و نیز رأی آکایسو (همان منبع، بند ۵۸۲) هر دو دادگاه صراحتاً این شرط عمومی را لازم دانسته اند.

در پرونده گوران دادگاه در خصوص این شرط اظهار می‌دارد، مهم این است که جمعیت غیر نظامی مورد حمله قرار گرفته باشد و اینکه فرد قربانی به طور خاص و به عنوان غیر نظامی مورد حمله قرار گرفته باشد مورد نظر نیست. (همان منبع بند ۲۴۱ رأی) هم از رویه دادگاه رواندا و هم یوگسلاوی سابق چنین استنباط می‌شود که ویژگی «غیر نظامی» را باید بطور گسترده و عام تفسیر نمود و نه بطور محدود و مضیق، لذا به نظر می‌رسد منظور از افراد غیر نظامی همه افراد غیر مبارز و اشخاصی که سلاح خود را به زمین گذاشته اند می‌باشد.

این موضوع را می‌توان از رأی بلاسکوویک (بند ۱۳ رأی) نیز استنباط نمود. دادگاه یوگسلاوی در این رأی نیز عبارت جمعیت غیر نظامی را در معنای عام بکار گرفته است و حتی می‌تواند است، در موردی که مردم

در یک مکان و زمان ویژه سلاح های را حمل کرده اند، مثلاً یک رئیس خانواده ای که تحت اوضاع و احوال خاصی در حمایت از خانواده خود تفنگ در دست می گیرد نباید موقعیت خود را بعنوان یک فرد غیر نظامی از دست بدهد. دادگاه رواندا نیز در ضمن پرونده کاشیما عبارت جمعیت غیر نظامی را در مواردی با بحث تعارضات نظامی مرتبط دانسته و اظهار می دارد که، اگر چه به موجب اساسنامه دادگاه رواندا جنایت علیه بشریت ممکن است خارج از تعارض نظامی هم رخ داده باشد، لیکن اگر تعارض نظامی در بین باشد، باید مفهوم این عبارت با در نظر گرفتن یک تفکیک بین افراد نظامی و غیر نظامی در نظر گرفته شود. اما در موردی که جنایات علیه بشریت در زمان صلح ارتکاب یافته، باید این عبارت را شامل همه افراد غیر از کسانی که وظیفه حفظ نظم عمومی را برعهده داشته و وسایل توسل به زور را بطور مشروع در اختیار دارند دانست. (کاشیما همان منبع، بند ۱۲۷ رأی) از رویه هر دو دادگاه کاملاً مشخص می گردد که عجز از ویژگی غیر نظامی، ویژگی های دیگر همچون ملیت، قومیت در جمعیت مورد حمله مورد نظر نمی باشد. البته باید این حمله بطور مستقیم علیه جمعیت غیر نظامی انجام شود. برای استنباط این موضوع باید روشها و متدهای مورد استفاده در حمله، موقعیت قربانیان، تعداد آنها و طبیعت جرائم ارتکابی در حمله را مورد بررسی قرار داد. (دیوبویس اولیور، ۱۹۹۷، ج ۴۴۳) البته ضرورتی ندارد که تمام افراد یک منطقه مورد حمله قرار گیرند. منظور از بکارگیری اصطلاح جمعیت آن است که جرم جنبه فردی نداشته و بلکه جنبه جمعی داشته باشد. در رأی تادیچ و آکایسو این موضوع مورد تأیید قرار گرفته است و نیز همانطور که دادگاه رواندا نیز در یکی از آرای خود اظهار داشته است « یک جمعیت، ویژگی غیر نظامی خود را حتی اگر افراد خاصی از بین این جمعیت با تعریف غیر نظامی همخوانی نداشته باشند از دست نمی دهد». (سلی بی چی همان منبع، بندهای ۱۹۸-۱۹۳) در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی نیز با الهام از عرف و رویه قضایی بین المللی این قید پذیرفته شده است. قسمت الف از بند ۲ ماده ۷ صراحتاً این موضوع را بیان می کند.

۴. جنایات علیه بشریت باید با علم به حمله ارتکاب یابد.

یکی دیگر از شرایط عمومی جنایات علیه بشریت بر اساس رویه دادگاه های کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا و نیز اساسنامه دیوان کیفری بین المللی این است که مرتکب با علم و آگاهی از وجود حمله گسترده یا سیستماتیک علیه یک جمعیت غیر نظامی مرتکب جنایات علیه بشریت گردیده باشد. اگر چه لازم نیست این علم و اطلاع بطور تفصیلی و دقیق باشد. همینطور متهم باید از اینکه اعمال مجرمانه اش قسمتی از این حمله را تشکیل می دهد آگاه باشد در آرای صادره از هر دو دادگاه یوگسلاوی و رواندا این شرط عمومی مورد توجه قرار گرفته است.

در پرونده کاشیما (همان منبع، بند ۲۴۷ رأی) دادگاه رواندا اظهار می دارد که مرتکب باید از وجود یک حمله گسترده یا سیستماتیک علیه یک جمعیت غیر نظامی و از اینکه عمل او قسمتی از آن حمله می باشد آگاه باشد.

همینطور در پرونده روگیو نیز بر ضرورت اجراء علم و آگاهی متهم از وجود یک حمله گسترده یا

سیستماتیک و اینکه عمل مجرمانه او قسمتی از این حمله را تشکیل می‌دهد تاکید ورزیده است. (روگیو بند ۲۰ رای) دادگاه یوگسلاوی سابق نیز در رای تادیج اظهار داشته که متهم باید با علم به وجود حمله گسترده و اینکه عمل او جزئی از آن حمله گسترده است عمل کند. (همان منبع، بند ۴۷۵ رای) و در مرحله پژوهشی در رای خود در خصوص پزونده کوناراک اظهار داشته که دادگاه بدوی کاملاً متقاعد گردیده که متهمان اعمال مجرمانه خود را در چارچوب یک حمله گسترده علیه یک جمعیت غیر نظامی و با علم به وجود این چارچوب و اینکه اعمال مجرمانه آنها در آن چارچوب قرار می‌گیرد و در آگاهی کامل از اینکه اقدامشان به حمله کمیک می‌کند انجام داده‌اند. (کوناراک بندهای ۸۲-۸۴ رای) البته همانطور که قبلاً گفته شد، لازم نیست که این علم و اطلاع بطور کامل و دقیق نسبت به حمله و تمام جزئیات آن باشد و این مطلب بوسیله دادگاه یوگسلاوی سابق در رای تادیج تأیید گردیده است.

همین طور در پرونده بلاسکیک (همان منبع بند ۲۱۳ رای) دادگاه رواندا اظهار می‌دارد نیازی نیست، متهم همه جزئیات حمله ای که اعمالش در جریان آن و بعنوان قسمتی از آن حمله انجام می‌گردد را بداند. بلکه کافی است که روشن گردد که او با میل و رضایت و بطور آگاهانه در ارتکاب اعمال مجرمانه اش مشارکت کرده است.

برای احراز آگاهی مجرم از وجود حمله و اینکه اعمال مجرمانه او قسمتی از این حمله را تشکیل می‌دهد، می‌توان از دلایل زیر استفاده نمود:

اوضاع و احوال تاریخی در ارتباط با اعمال مجرمانه ای که ارتکاب یافته‌اند.
وظایف متهم در زمانی که جرائم ارتکاب یافته است.
مسئولیت مرتکب در سلسله مراتب سیاسی و نظامی.

ارتباط مستقیم یا غیر مستقیم بین سلسله مراتب سیاسی و نظامی.

قلمرو، ماهیت و نوع اعمال ارتکابی. (بلاسکیک همان منبع، بند ۲۵۹ رای) در پرونده‌های کارادزیک، آکایسو و تادیج، برای احراز علم متهم، از همین معیارها استفاده شده است.

همین طور لازم نیست که روشن گردد که متهم قصد ارتکاب عمل مجرمانه را علیه جمعیت غیر نظامی داشته یا علیه فرد یا افراد قربانی و همین که علم متهم در خصوص وجود حمله گسترده و سیستماتیک ثابت گردد کافی است. (مامکلو همان منبع، بند ۱۰۳ رای) در یک جمع بندی و با عنایت به عرف و رویه بین المللی باید گفت بعنوان یک شرط عمومی برای تحقق جنایات علیه بشریت باید حمله گسترده یا سیستماتیک علیه یک جمعیت غیر نظامی انجام گردیده و نیز مرتکب جنایات علیه بشریت از وجود این حمله و از اینکه اعمال مجرمانه او قسمتی از این حمله را تشکیل می‌دهد مطلع باشد.

۵. عدم لزوم انجام حمله بنا به دلایل تبعیض آمیز.

در خصوص اینکه آیا جرم علیه بشریت باید بطور تبعیض آمیز بنا بدلیلی همچون دلایل ملی، سیاسی، مذهبی و قومی ارتکاب یابد یا خیر، بین محاکم کیفری بین المللی چه از نظر مواد مربوطه در اساسنامه و چه در رویه تفاوت وجود دارد.

در ماده پنج اساسنامه دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق، جزء در مورد یکی از مصادیق جرائم علیه بشریت، یعنی «آزار» در سایر موارد رعایت و احراز این شرط لازم نیست. البته برخی از حقوقدانان این موضوع را با تفاسیر ارائه شده از طرح اساسنامه این دادگاه ناهماهنگ می دانند. اریک داوید در این خصوص معتقد است بی شک سهوی در کار بوده است زیرا در تفسیر طرح اساسنامه که از سوی دبیر کل سازمان ملل تدوین شده است می خوانیم: «جنایات علیه بشریت عبارتند از اعمال غیر بشری بسیار عمده ... که به علل ملی، سیاسی، قومی، نژادی، یا مذهبی ... ارتکاب یافته اند.» (اریک، داوید، دادگاه کیفری برای یوگسلاوی سابق، ص ۲۱۴). در رویه دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق وجود یکی از انگیزه های قومی یا نژادی ... را فقط برای جرم اذیت و آزار لازم دانسته است. لازم به یادآوری است که اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی نیز جزء در مورد جرم آزار لازم ندانسته که این اعمال به صورت تبعیض آمیز انجام گرفته (بند h از ماده هفت اساسنامه) در حالی که بر اساس ماده سه دادگاه رواندا تمام جرائم علیه بشریت باید بطور تبعیض آمیز ارتکاب یافته باشد. بعنوان نمونه در یکی از پرونده های مربوط به جنایات ارتکابی علیه افرادی از قبیله توتس که جرائم علیه آنها بنا به دلایل قومی و سیاسی ارتکاب یافته بود، دادگاه برای اثبات مجرمیت متهمان در کنار سایر شرایط این شرط را نیز احراز کرده است. (کاشیما همان منبع، بندهای ۱۳۰ و ۱۳۱) در پرونده آکایسو (همان منبع، بند ۵۸۳ رای) نیز دادگاه رواندا ضرورت احراز این شرط عمومی را در جرائم علیه بشریت تذکر داده است.

در رأی بدوی تادیج، دادگاه یوگسلاوی سابق داشتن قصد تبعیض آمیز را در تمام جرائم علیه بشریت ضروری دانسته ولی بدینحال اعتراض در مرحله پژوهش، منی بر اینکه چنین شرطی فقط در اساسنامه دادگاه رواندا پیش بینی گردیده و براساس مقررات اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق و نیز عرف بین الملل رعایت چنین شرطی برای جرائم علیه بشریت لازم نیست، دادگاه عالی صراحتاً این ایراد را نسبت به رأی دادگاه بدوی وارد دانسته و رعایت و احراز این شرط را جزء در مورد جرم آزار در سایر جنایات علیه بشریت ضروری ندانست. (تادیج همان منبع، بند ۲۷۳ و ۲۷۵ رای). لذا می توان چنین نتیجه گیری نمود که عرف و رویه بین المللی جزء در مورد جرم آزار در بقیه مصادیق جنایات ضد بشری وجود دلایل تبعیضی را ضروری ندانسته است.

نتیجه گیری

در یک نتیجه گیری کلی باید گفت، در جنایات علیه بشریت در کنار عناصر اختصاصی هر جرم وجود یک سری شرایط عمومی ضروری است. در هر مورد لازم است، که نخست این شرایط عمومی احراز گردیده و سپس عناصر اختصاصی آن عمل مجرمانه بررسی و اثبات گردد. این امر برای رعایت اصل قانونی بودن جرائم در مورد اینگونه جنایات لازم و ضروری است. این موضوع از ماده ۵ اساسنامه دیوان کیفری یوگسلاوی سابق و ماده ۴ اساسنامه دادگاه رواندا و نیز رویه محاکم مذکور در آرای که تاکنون صادر نموده اند و همینطور از ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی کاملاً محرز می باشد. قدر متیقن در خصوص این شرایط عبارت است از، عدم وجود رابطه ضروری بین جنایات علیه بشریت و

مخاصمات مسلحانه. عدم ضرورت وصف گسترده و سیستماتیک بودن بطور توأمان در حمله، ضرورت حمله علیه یک جمعیت غیر نظامی و تفسیر گسترده از وصف غیر نظامی جمعیت، ضرورت علم مرتکب جنایات علیه بشریت نسبت به وجود حمله بطور کلی و بدون ضرورت علم تفصیلی و دقیق و عدم ضرورت حمله بنا به دلایل تبعیض آمیز جزء در مورد جنایت آزار.

البته باید فراموش نشود که تمام شرایط آستانه جنایات علیه بشریت جنبه حصری داشته و باید چه از لحاظ شکنجه و از نظر ماهوی مورد تفسیر مضیق قرار گیرد تا زمینه هر چه مساعدتری برای مجازات مرتکبین اینگونه جنایات فراهم گردیده و از بی مجازات ماندن آنها در پرتو شروط و قیود دست و پا گیر جلوگیری شود.

فهرست منابع:

الف) منابع فارسی:

۱. دیهیم، علیرضا، درآمدی بر حقوق کیفری بین المللی، نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی تهران - ۱۳۸۰

۲. بیگ زاده، ابراهیم، تقریرات درسی، دانشگاه علوم و تحقیقات، تهران - ۱۳۸۲

۳. اریک داوید، دادگاه بین المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، ترجمه مصطفی رحیمی، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوق بین المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۸ و ۱۹، سال ۱۳۷۳-۴

ب) منابع انگلیسی:

کتاب:

۴. ALDRICH George H ; Jurisdiction of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia; (۶۰ (۱۹۹۶ A.J.I.L.۶۴.

۵. ALVAREZ Jose E; Rush to Closure : Lessons of the Tadic judgment (۹۶ (۱۹۹۸ Mich.L.Rev.۲۰۳۱.

۶. ARSANJANI Mahnoush H; The Rome Statute of the International Criminal Court; (۹۳ (۱۹۹۹ Am.J.

۷. DUBOIS Olivier ; Rwanda s national criminal courts and the International Tribunal; (۳۲۱ (۱۹۹۷ International Review of the Red Cross ۷۱۷

اسناد

۸. The Statute of International Criminal Tribunal For The Former Yugoslavia

۹. The Statute of International Criminal Tribunal Law For Rwanda

۱۰. The Statute of International Criminal Court

سایتهای اینترنتی

۱۱. www.un.org/ICTY/tadic/trialc۲/Judgment

۱۲. www.un.org/ICTY/celebici/trialc۲/Judgment

۱۳. www.un.org/ICTR/English/Judgment/Akayesu

۱۴. www.Wittyworld.com/countries/Serbia.html.
۱۵. www.Wittyworld.com/countries/Serbia.html.
۱۶. www.un.org/ICTY/pressreal/pr1111-1.htm.
۱۷. www.un.org/ICTY/brdjanin/trialc/Judgment/footv.htm.
۱۸. www.un.org/ICTY/foca/trialc2/Judgment
۱۹. www.Sciencedaily.Com/encyclopedia/goran-jelusic
۲۰. www.Sciencedaily.Com/encyclopedia/goran-jelusic
۲۱. www.un.org/ICTY/blaskic/trialc1/Judgment.
۲۲. www.ICTR.Org/ENGLISH/cases/musema/judgment/Arrest/annexb.htm
۲۳. www.un.org/ICTY/trialc2/judgment/kun-th-1-2202-0.htm

Studying Public conditions related to crimes against humanity

Leila Raise

One of the international crimes is crime against humanity; such as murder; extermination; torture; rape; enslavement; deportation. Such crimes threaten the peace; security and well-being of the world. Certainly the perpetrators of such crimes must be punished and by reason international community has been important efforts. The constitution of international Criminal tribunal for the Former Yugoslavia; international criminal tribunal Law for Rwanda and international criminal court are from this kind the efforts. Crimes against humanity shall be committed in a framework and under special conditions. Such conditions are follow as: the commitment as part of a widespread or systematic attack; directed against any civilian population; with knowledge of the attack. Of course; in the statute of criminal tribunals; the former Yugoslavia; Rwanda and international criminal tribunal and also in the practice the former Yugoslavia and Rwanda court excise difference about such condition. For example; for the purpose of the statute international criminal court is not necessary armed attack in the event that for the purpose of the former Yugoslavia court is necessary such condition. In this research I try; consider the subject.

